



رویکردی اسلامی به علوم تربیتی و تعلیم و تربیت

دکتر بهرام محسن پور

فهرست

پیشگفتار	۵
موارد اختلاف تعلیم و تربیت اسلامی با تعلیم و تربیت سکولار	۱۲
ضرورت تدوین نظریه برنامه درسی برای آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران	۱۸
تدوین نظریه برنامه درسی مبتنی بر بینش توحیدی	۳۴
نقش پیش فرض های متافیزیکی در تحقیقات روان شناسی و علوم تربیتی	۴۳
آسیب شناسی متون درسی دانشگاهی در حوزه علوم تربیتی	۶۱
تدوین برنامه های درسی علوم تجربی با رویکرد دینی: چالشی	۷۶
نقش تربیتی معلم در فرایند تعلیم و تربیت	۹۱
نقش تعلیم و تربیت در برخورد با جهانی شدن فرهنگ مدرنیته	۱۰۲

پیشگفتار

قرن هیجدهم میلادی را باید مرحله‌ای قابل تأمل در سرنوشت کشورهای اسلامی آسیا و شمال آفریقا به حساب آورد. زیرا شمار زیادی از این سرزمین‌ها بدلیل تاخت‌وتاز کشورهای استعمارگر اروپایی، به تصرف استعمارگران درآمدند و در واقع استقلال خود را از دست دادند. به عنوان مثال، منطقه بنگال، در سال ۱۷۵۷ به سلطه کمپانی هند شرقی درآمد. سربازان ناپلئون بناپارت در سال ۱۷۹۸ موفق به فتح مصر شدند. نیروهای ایرانی در زمان حکومت فتحعلی‌شاه قاجار، در خلال جنگ‌های ۱۸۰۳-۱۸۲۸ مغلوب سپاه امپراتوری روس شدند. کوتاه سخن آنکه، سایر سرزمین‌های اسلامی یکی پس از دیگری مورد تهاجم اروپاییها قرار گرفتند و به دلیل برتری نظامی غرب، متحمل زیانهای فراوانی شدند.

نکته قابل ذکر در این میان این است که یک جریان مهم تاریخی در عرصه تعلیم و تربیت در سرزمین‌های اسلامی به دو صورت متفاوت اتفاق افتاد. یکی از اشکال این جریان این بود که کشورهای اروپایی در جاهایی که توانسته بودند سلطه نظامی خود را حفظ کنند و مستعمراتی را برای خود به وجود آورند، با ایجاد مدارس و مؤسسات آموزشی، شروع به تربیت نیروهای کارگزار خود



در این مؤسسات کردند و طالبان تحصیل در این مدارس را با فرهنگ، زبان و الگوهای زندگی غربی، آشنا می‌ساختند تا از آنها در جهت منافع خود سود جویند.

شکل دیگر جریان مذکور این بود که کشورهایی که به برکت مقاومت مردم به تصرف کشورهای استعمارگر درنیامده بودند، برای جبران عقب‌ماندگیهای علمی خود و دستیابی به فناوری نظامی آن عصر، به الگوگیری آموزشی از کشورهای غربی روی آوردند و با اعزام محصل و یا ایجاد مؤسساتی آموزشی به سبک و سیاق غرب، به تربیت نیروی انسانی مورد نیاز خود همت گماشتند. به این امید که بتوانند به مدد نیروی انسانی تربیت شده، راه ورود فناوری و علوم به سوی کشورهای خود هموار سازند و به توانمندی خود در عرصه علوم و فناوری بپردازند. بدینسان در خلال جریان مذکور و در کنار نظام آموزشی بومی، نظامهای آموزشی وارداتی‌ای شکل گرفت که فاقد صبغه دینی بود و ماهیتی نسبتاً سکولار داشت.

اگر چه متفکرانی مانند سید جمال‌الدین اسدآبادی در ایران و شیخ محمد عبده در مصر و سر سید احمدخان در شبه قاره هند، ناهمگونی فرهنگ غرب و کاستیهای نظامهای آموزشی برگرفته از غرب و عدم سنخیت آنها را با ساختار فرهنگی و اجتماعی کشورهای اسلامی متذکر شدند، با این حال، نه تنها خیزشی برای مقابله با تعلیم و تربیت سکولار از سوی دولتمردان این کشورها رخ نمی‌داد و تلاشی برای پی افکندن نظام آموزشی‌ای با ماهیتی اسلامی صورت نمی‌گرفت، بلکه سران برخی از این کشورها به ویژه در سده اخیر، به نام تجدید (مدرنیزاسیون) جریان سکولار کردن نظامهای آموزشی را دنبال می‌کردند و سیاست سکولاریزه کردن را قوت می‌بخشیدند. به عنوان مثال، در ترکیه پس از روی کار آمدن آتا ترک در سال ۱۹۲۲، اقداماتی صورت گرفت که با موازین اسلام کاملاً در تضاد بود. تغییر حروف الفبا از عربی به لاتین، حذف تدریس دروس دینی و نیز وضع هنجارهایی مانند توده‌گرایی، ملی‌گرایی و امثال آن از جمله کارهایی بود که در دوران زمامداری او به وقوع پیوست که این کارها به نوبه خود



سکولار کردن تعلیم و تربیت را در کشور ترکیه سرعت بخشید.^۱

در ایران نیز، رضاخان از سال ۱۳۰۵ هجری شمسی اقداماتی را در جهت سکولار کردن نظام تعلیم و تربیت کشور به عمل آورد که به وسیله فرزندش محمد رضا تا سال ۱۳۵۷ ادامه یافت.

خوشبختانه در ربع آخر قرن بیستم، از سوی برخی از کشورهای اسلامی و نیز وسیله مجامع اسلامی و علمی تلاش‌هایی صورت گرفت تا زنگار سکولاریسم از چهره تعلیم و تربیت کشورهای اسلامی زدوده و به سلطه سکولاریسم بر تعلیم و تربیت پایان داده شود. به عنوان مثال، در سال ۱۹۷۷، همایشی به نام نخستین کنگره تعلیم و تربیت اسلامی در شهر مکه معظمه، برگزار شد که نمایندگانی از ۵۰ کشور جهان از کشورهای اسلامی در آن حضور پیدا کردند. در کنفرانس مذکور رهنمودهایی برای توجه به علوم و حیانی در کنار علوم اکتسابی در نظامهای تعلیم و تربیت ارائه گردید و از شرکت‌کنندگان خواسته شد که اسلامی کردن تعلیم و تربیت را وجهه همت خویش قرار دهند و برای تحقق توصیه‌های کنفرانس، اقداماتی را به عمل آورند. بدنبال کنفرانس مذکور، چند کنفرانس دیگر در سالهای بعد برگزار شد و هم‌اکنون تلاشهایی صورت می‌گیرد تا نتایج این کنفرانسها به بار بنشینند.^۲

در کشور ما نیز پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تجدید نظر در علوم انسانی صورت گرفته و فراخوانهایی داده شده تا به علوم انسانی از منظر اسلام نگرینسته شود و بر مبنای دیدگاه‌هایی که اسلام در خصوص انسان و مسائل انسانی دارد، نظریه‌پردازی شود. سپس این نظریه‌ها در حوزه‌های مختلف علوم انسانی در متن عمل به کار گرفته شود و مورد نقد و بررسی قرار گیرد و در صورت استحکام و تأیید، جایگزین نظریه‌های مبتنی بر تفکر سکولار شود. بنابراین، مجموعه حاضر شامل چند مقاله مختلف است که در سالهای اخیر در جهت نقد و بررسی علوم تربیتی و روان‌شناسی تربیتی از منظر اسلام، نوشته شده و در نشریات علمی- پژوهشی حوزه تعلم و تربیت به چاپ رسیده است. امید می‌رود، مجموعه مقالات حاضر، پاسخی تلقی شود به این فراخوان و

1. Iqbal, Sir. M (1958)
The Reconstruction of Religious
Thoughts in Islam.
Lahur

2. Ashraf, seyed, 1985
New Horizons in
Muslim Education,
Antony Rowe. Ltd.
Chippenham, UK.



تلاشی به حساب آید در جهت تبیین گوشه‌هایی از علوم تربیتی از منظر اسلام. بنابراین، نوشتار حاضر، شامل مقالاتی به شرح زیر است:

- موارد اختلاف تعلیم و تربیت اسلامی با تعلیم و تربیت سکولار، نخستین مقاله این مجموعه است. در این مقاله، مقایسه‌ای کوتاه بین تعلیم و تربیت اسلامی و تعلیم و تربیت سکولار به عمل آمده و به ویژگی‌های این دو نوع تعلیم و تربیت اشاراتی شده است.

- ضرورت تدوین نظریه برنامه درسی برای آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، دومین مقاله‌ای است که در این مجموعه آمده است. این مقاله به پیشینه تدوین برنامه‌ها و تألیف کتابهای درسی مدارس و دبیرستان‌های کشور اشاره‌ای گزرا دارد. آنگاه درباره مفهوم نظریه‌های برنامه‌های درسی، عناصر آن و طبقه‌بندی‌هایی که صاحب‌نظران معاصر غربی، از نظریه‌های برنامه‌های درسی به عمل آورده‌اند، بحث می‌کند و یادآور می‌شود که این نظریه‌های برنامه درسی، از دیدگاه‌های فلسفی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی متداول در غرب، نشأت گرفته‌اند و راهنمای عمل برنامه‌ریزان درسی در این جوامع هستند. مقاله حاضر، سپس بر ضرورت تدوین نظریه برنامه درسی بومی، به عنوان راهنمای عمل برنامه‌ریزان و مؤلفان کتابهای درسی تأکید و با ذکر شواهد و مثالهایی، پیشنهاد می‌کند که می‌توان با رجوع به منابع و جهان‌بینی اسلامی، به استنباط و استخراج عناصر نظریه برنامه درسی دست یازید.

- نقش پیش‌فرض‌های متافیزیکی در تحقیقات روان‌شناسی و علوم تربیتی، سومین مقاله این مجموعه است. در این مقاله چنین آمده: از اوایل قرن بیستم، پژوهش در خصوص نظریه‌های مربوط به یادگیری، ادراک، رشد شناختی، هوش، انگیزش و غیره آغاز شده است. در این میان، پژوهشگران غربی اثبات‌گرایی را به عنوان مبانی معرفت‌شناسی و روش شناختی پژوهش‌های مذکور انتخاب کرده‌اند. آنان در این پژوهش‌ها، پیش‌فرض‌های متافیزیکی مربوط به رفتار و منش انسان را نادیده گرفته‌اند. تحقیقات اولیه مربوط به رشد شناختی، درک مفاهیم دینی نزد کودکان، رشد اخلاقی و یادگیری، از جمله پژوهش‌هایی



هستند که در خصوص حذف پیش‌فرض‌های متافیزیکی مربوط به آن‌ها در این مقاله بحث شده و به نارسایی‌های این پژوهش‌ها اشاره شده است.

پیشنهاد نوشتار حاضر این است که از پژوهش‌هایی که در حوزه روان‌شناسی و علوم تربیتی صورت گرفته، باید ارزشیابی به عمل آید تا مبانی شناخت‌شناسی آن‌ها شناسایی شود و کاربرد نتایج تحقیقات مبتنی بر اثبات‌گرایی در فرایند تعلیم و تربیت جامعه ما، با احتیاط صورت گیرد، زیرا اثبات‌گرایی به عنوان بستر تحقیقات روان‌شناختی و علوم تربیتی، بر سکولاریسم استوار است و حاکمیت سکولاریسم بر نظام تعلیم و تربیت جامعه ما موجب می‌شود که این نظام از رسالت اصلی خود که مهیا کردن انسان‌ها برای زندگی در دو جهان است، باز بماند. بعلاوه باید، کوشش‌هایی به عمل آید تا رویکردهای روش‌شناسی پژوهشی سازگار با آموزه‌های دینی، ابداع گردد و رهنمودهایی برای هدایت فعالیت‌های تحقیقاتی پژوهشگران حوزه روان‌شناسی و علوم تربیتی فراهم شود.

- آسیب‌شناسی متون درسی دانشگاهی در حوزه علوم تربیتی، چهارمین مقاله این مجموعه است. این مقاله قبلاً با عنوان در جستجوی تدوین‌الگویی برای تهیه متون درسی علوم تربیتی بر مبنای منابع اسلامی، به اولین همایش تحلیل و تنظیم علوم تربیتی در سال ۱۳۸۴، ارایه گردید. بعد از چاپ، مطالبی به آن افزوده و تغییراتی در آن داده و عنوان بالا برای آن انتخاب شد. در این مقاله، نخست به ورود علوم تربیتی از دانشگاه‌های غرب به مؤسسات آموزش عالی و دانشگاه‌های ایران اشاره شده است. سپس برخی از نظریه‌های مطرح شده در کتاب‌های درسی علوم تربیتی اقتباس شده از غرب، نقد شده و در پایان پیشنهادها و راهکارهایی برای تدوین منابع درسی علوم تربیتی ارایه شده است.

- پنجمین مقاله نوشتار حاضر، تدوین برنامه‌های درسی علوم تجربی با رویکرد دینی: چالشی جدید پیش‌روی برنامه‌ریزان درسی، نام دارد. این مقاله نخست رویکرد حاکم بر برنامه‌های درسی علوم تجربی را در ایران پیش و پس از پیروزی انقلاب اسلامی بررسی می‌کند و متذکر می‌شود که از ابتدای تأسیس مدارس و دبیرستان‌ها در ایران، رویکرد حاکم بر تدوین برنامه‌های



درسی، رویکردی سکولار بوده است. آنگاه نویسنده، لزوم استفاده از یک رویکرد دینی را در تدوین برنامه‌های درسی یاد آور می‌شود و در ادامه می‌افزاید که در رویکرد دینی برخلاف رویکرد سکولار، شناخت جهان هستی در قالب دروس علوم تجربی، بر پیش‌فرضهای متافیزیکی مطرح شده در منابع دینی استوار است و میان مطالعه طبیعت و آموزه‌های دینی، پیوندی وثیق به وجود می‌آید، در نتیجه، طبق این رویکرد، دانش‌آموزان برای شناخت جهان هستی، ضمن استعانت از روشهای تجربی، از دانش مبتنی بر پیش‌فرضهای متافیزیکی مربوط به پدیده‌ها و موجودات نیز، سود می‌جویند و به فهم عمیق‌تری از جهان نایل می‌شوند و با مجهز بودن به یک جهان‌بینی مبتنی بر دین، به مطالعه محیط طبیعی می‌پردازند.

تدوین نظریه برنامه درسی با بینش توحیدی، ششمین مقاله این مجموعه به شمار می‌رود. ضرورت تدوین یک نظریه که بتواند به نظام برنامه درسی ایران وضوح و جهت‌گیری بیشتری ببخشد، موضوعی است که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است. نظریه‌ای که در این خصوص پیشنهاد شده است، «نظریه مبتنی بر بینش توحیدی» نام دارد. در چهارچوب این نظریه، فراگیران به هنگام مطالعه جهان هستی و پژوهش در پدیده‌های بی‌متنهای آن، از کلام خداوند مدد می‌گیرند و با نگرشی غیر سکولار به مطالعه امور عالم می‌پردازند. زیرا مطالعه موجودات عالم و پدیده‌های طبیعی، به قصد شناخت جهان و ربط دادن مسأله خلقت، با اراده خالق هستی، دانش‌آموزان را در رسیدن به یک تفکر کل‌گرا و دستیابی به یک جهان‌بینی مبتنی بر توحید، مدد می‌رساند.

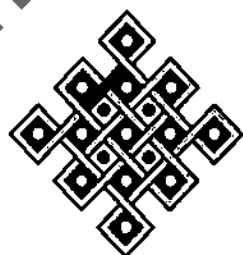
– نقش تربیتی معلم در فرایند تعلیم و تربیت، هفتمین مقاله‌ای است که در این نوشتار آمده است. در این مقاله نخست، درباره مفهوم و اهمیت تربیت بحث شده. آنگاه، مسأله کم‌توجهی به امر تربیت و نیز پیامدهای این کم‌توجهی به تربیت در نظامهای آموزشی سکولار، مورد بررسی قرار گرفته است. سپس به نقش تربیتی معلمان در تربیت پرداخته شده. نتیجه‌گیری مقاله این است که موفقیت معلمان در امر تربیت، مستلزم تدوین برنامه‌های درسی با رویکردی



تربیت محور و نیز تجدیدنظر در برنامه‌ها و دروس علوم تربیتی مراکز تربیت معلم است.

- نقش تعلیم و تربیت در برخورد با جهانی شدن فرهنگ مدرنیته، هشتمین و آخرین قسمت این مجموعه به شمار می‌رود. ابتدا فرهنگ مدرنیته و ویژگیهای آن مورد بررسی قرار گرفته، سپس تفسیرهایی که از جهانی شدن فرهنگ وجود دارد توضیح داده شده، آنگاه گفته شده چنانچه فرهنگ مدرنیته، غالب و جهانی شود، در اینصورت، فرهنگهای ملی و منطقه‌ای از جمله فرهنگ اسلامی را به چالش می‌کشد و در این میان از وسایل ارتباط جمعی و شبکه‌های اطلاع‌رسانی الکترونیکی مانند اینترنت، برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای و نیز مجامع بین‌المللی برای گسترش و جهانگیر شدن خود، سود می‌جوید و سایه‌اش را بر جهان به ویژه ملل اسلامی می‌گستراند. لذا، درچنین شرایطی باید به مقابله با آن پرداخت و از گسترش آن جلوگیری کرد. از این رو، تعلیم و تربیت می‌تواند در این مصاف فرهنگی به میان آید و با تقویت ارزشهای فرهنگی و تعمیق باورهای دینی دانش‌آموزان و دانشجویان، به مقابله با سیطره فرهنگ مدرنیته برخیزد.

موارد اختلاف تعلیم و تربیت اسلامی با تعلیم و تربیت سکولار



همانگونه که پیش از این یاد آور شدیم، نظام تعلیم و تربیتی که در یکی دو سده اخیر از مغرب زمین به کشورهای اسلامی راه یافته، نظامی است که با انگاره‌ها و الگوهای فرهنگی و نیز نیازهای این کشورها تناسب و سنخیت چندانی ندارد و باید بزودی از این کشورها رخت بربندد و به جای آن تعلیم و تربیتی پا بگیرد که ریشه در جهان بینی ملل مسلمان داشته باشد.

بر این اساس، امروزه بسیاری از متفکران مسلمان و صاحب نظر در حوزه تعلیم و تربیت، چه آن‌هایی که در کشورهای اسلامی زندگی می‌کنند و چه آن‌هایی که در غرب به سر می‌برند، خواستار احیای تعلیم و تربیت اسلامی و جایگزینی

آن با تعلیم و تربیت سکولار هستند و می‌کوشند تا مبانی نظری این نوع تعلیم و تربیت اسلامی را در دانشگاه‌ها و مراکز علمی به بحث و بررسی بگذارند و زمینه را برای اجرای آن مهیا سازند. اینک وجوه تفاوت این دو نوع تعلیم و تربیت به اختصار مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- تعلیم و تربیت مبتنی بر آموزه‌های دینی، بر پیش فرضهای متافیزیکی^۱

۱. پیش فرض حکمی است که پذیرفته شده این‌که گفته می‌شود خداوند بر کالبد آدمی روح بمیدهد است یک پیش فرض متافیزیکی است